پروفیسور داکتر گران توریال ۲۰۱۹ /۸/۲

یک ضایعۀ جبران ناپذیر فرهنگی

وفات دکتور محمد حسین بهروز

با تاثر عمیق مطلع شدم که دوکتور حسین بهروز، دانشمند وپژوهشگرومورخ وادیب وکتاب شناس وسیاستگر وسخنوربا شهامت افغان روز ۲۵ جولای ۲۰۱۹به ابدیت پیوسته است. درگذشت این فرزند بی بدیل افغان را به خانواده ودوستان وهمه روشنفکران افغانستان تسلیت میگویم. داکتر بهروز سرمایه بزرگ فرهنگی وشخصیت سیاسی وقابل حرمت برای همه روشنفکران وتحصیل دیدگان افغان بود. من در سالهای ۱۹۹۲-۱۹۹۵درمسکو بار بار او را ملاقات کرده ام. اوگنیجینه بزرگ علم و سیاست واسرار و رازهای سیاست پیشگان افغانستان بود. روحش شاد ویادش گرامی باد. کاندید اکادمیسین سیستانی ۲۰۱۹ /۸/۲

بیوگرافی محترم دکتور محمد حسین بهروز

بقلم پروفیسورگران

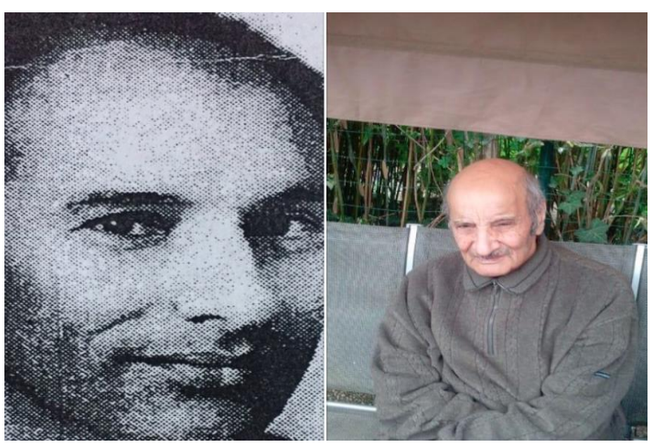

دوکتور محمد حسین بهروز(در مطبوعات کشور بنامهای «علیل»،« پریش»و«محب کابلی»)مقاله نوشته است

بیوگرافی مختصری محترم بهروز صاحب - این بزرگ مرد نام آور، تاریخدان، سیاستمدار، ادیب، شاعر و نویسنده برجسته و زبر دست کشورعزیز مان را، خدمت مطالعه و آشنائی شما دوستان عزیز تقدیم میدارم.

این بیوگرافی در سال 2005 توسط دوست و رفیق محمد حسین بهرور، پروفیسور گران توریال نوشته شده است.

" محترم دوکتور محمد حسین بهروز، یکی از شخصیت های والا مقام علمی و اجتماعی وطن مان می باشند. وقتی در حضورش خود را در یابید آنوقت است که درک و احساس میکنید که وی تا چه اندازه عالمانه، مهربانآنه و زیبائی شناسائی با تکلم زبان ای شیرین و نرم، اما با سخنان سنگین خود مخاطب/ مخاطبان اش را مات و مبهوت می سازند . عشق و احترام به وطن و وطندارانش با تمام حرکات جسمی و روحی اش حضور پررنگی دارد که وزش نسیم صحبت و حکایت های وطنی اش مخاطب / مخاطبین را از رفته گان و دورافتاده گان و فراموش شونده گان نآمور وطن چنان اطلاع میرساند که گوئی از فراموشی و احساس خواب رفته اش بیدار ساخته، و احساسات اش را هیجان برانگیز و دگرگون می سازد. عظمت و بزرگی محترم بهروز صاحب، در آن نهفته است، زمانیکه در صحبت هایش حکایت ها از دوستی، همنوائی، یاری، عیاری، رقابت و مردانگی، محبت و نیکی، فداکاری و وطنپرستی روشنفکران وطن اش به میان می آید ، چهره بشاش و گلویش پراز هیجان و ذوق

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

می گردد و یا لحظه ای که صحبت از فقر، نا توانائی، ظلم، وحشت و بحران اعتماد و رقابت های نا مردانه ای روشنفکران و یا بی حیائی و زبونی حاکمان بیوطن و خائینین امروزی به زبان می آورند و اشکش می ریزد متوجه می شوید که محترم بهروز صاحب مانند بسیاری های مان نیستند، کاملاً فرق می شوند، و از جایگاه ویژه و برا زنده گیهای خاص ای علمی، اجتماعی و وطنپرستی برخواردار می باشند"(پروفیسور گران توریال).

جناب محترم محمد حسین بهروز تنها در سال های مهاجرت شان در دولت شاهی نیدرلند به تعداد 108 اثر و رساله سیاسی و ادبی بی نهایت با ارزش را به رشته ای تحریر آورده اند .

چگونه فولادی آبدیده، آبدیده تر میشود؟

انسان باهمت، مبارز و تسلیم نا پزیر افغان را باز هم زمان در آزمایش قرار داده و وی را مجبور به تسلیمی وسر فرو آوردن در برابر نا ملایمتی های زنده گی کشانیده است، اما او یک افغان فولادین آبدیده است و تسلیم پزیری در سرشت او نیست.

محترم محمد حسین بهروز فرزند غلام بهاوالدین خان زرگر در سال 1308 هجری شمسی د ر گذ ر خوابگاه کابل تولد یافته تعلیمات ابتدائی را نخست در خانه بطور خصوصی آموخت. مرحوم غلام بهاوالدین خان پدر بهروز صاحب باآنکه شخصاً بیسواد بودند، اما به ادب زبان دری، تاریخ مملکت و داستان های تاریخی و بخصوص داستان های از ابومسلم مروزی و در عین حال به شکسته بندی علاقه فراوان داشت. نخست ایشان در قسمت تشویق وتربیه پسر خود به نویسنده گی و روشنگری پرداخت.

بهروز محترم با افتخار و احترام بی نهایت از ایشان قصه های شیرین و آموزنده می نمآیند . بدین طور او اولین مربی بهروز صاحب میباشند. بعداً بهروز صاحب در مکتب نمره 7 شامل گردیده و سپس در لیسه عالی نجات به تحصیل ادامه داده و در سال 1327 هجری شمسی از آن لیسه فارغ التحصیل شده است و متعاقبا در همان سال مذکور از طرف ریاست پوهنتون کابل به فاکولته ساینس شامل گردیده و چون بهروز صاحب شوق و علاقه فراوان به ادبیات داشت بعد از یکسال تحصیل در فاکولته ای ساینس به فاکولته ادبیات تبدیل گردید و در سال1333 هجری شمسی بعداز فراغت از پوهنتون بحیث معلم در لیسه عالی استقلال مقررگردیده و بعد از یک سال در دارالمعلمین کابل بحیث استاد پزیرفته شدند ودر حوت سال 1335 هجری شمسی به مدیریت مجله و کتابخانه وزارت معادن و صنایع وقت نیز ایفای وظیفه نمودند، و متأقبأ در مدریت انحصارات ولایت کندها ر و کارخانه جنگلک کابل ایفای وظیفه نموده اند.

محترم محمد حسین بهروز از یاران و دوستان نزدیک مرحوم دوکتور عبدالرحمن محمودی ومرحوم میرغلام محمد غبار- علمبرداران جنبش روشنگری و روشنفکری در افغانستان میباشند. چنانجه بعد از وفات مرحوم دوکتور محمودی، بهروزصاحب محترم در جریان پیکار و مبارزات سیاسی و روشنگری با ناملایمتی های سخت ای روزگار روبرو می شوند و به تشویق و پیشنهادی رفقایش با استفاده از بورس تحصیلی ترک یار و دیار نموده، عازم اتحاد جماهیرشوروی میشوند. در سال 1348 به درجه علمی دوکتورا و در سال 1375 هجری شمسی به درجه پروفیسور در رشته فیلولوژی در انستیتوت شرق شناسی اکادمی علوم اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی- روسیه فیدراتیف نایل میگردند .او سالهای متمادی در انستیتوت شرق شناسی ایفای وظیفه نموده است تا سال 1354 به خواهش انستیتوت و موافقه دولت افغانستان بحیث مشاور علمی دیپارتمنت افغانستان شناسی و بعداً به حیث کارمند ارشد علمی مصروف وظیفه بوده اند. در پهلوی تحقیقات های علمی، مشاور و رهنمای علمی محققان زیادی که تحقیقات شآنرا برای دریافت درجات علمی به سویه ماستری و دوکتورا آماده میکردند، بوده اند. همچنان از شروع سالهای 1370 رهبری علمی "**فرهنگ سخنورا ن**" را محترم بهروز صاحب در اکادمی علوم اتحاد شوروی- روسیه فیدراتیف به عهده داشتند.

پروفیسور صاحب بهروز از دوران متعلمی به نوشتن وشعر گفتن آغاز نموده بودند. هم صنفان او در این باره به قدر زیاد مضامین نوشته اند و اولین شعر او که به طبع رسیده در روز نامه "اصلاح" بود که در سالهای اول

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

صدارت شاه محمود خان در مورد یاوه سرائیهای مهر خان از رادیو پاکستان سروده شده بود و مطلع آن چنین بود :

ایکه هر شب به هدر غلغل و افغان داری از چه با تیره دلی نام پاکستان داری

تخلص اولی محترم بهروز صاحب، "علیل" بود و این غزل مشهورفوق نیز بنام "علیل" بچاپ رسیده است. بسیار از نوشته های ایشان به این تخلص به طبع رسیده است، بعدا محترم بهروز صاحب " پریش" تخلص میکردند و تعدادی از نوشته ایشان در روز نامه ها و مجلات افغانستان و خارج نیز به این تخلص-" پریش" بچاپ رسیده است. جناب محترم بهروز صاحب بسیار نوشته ها سیاسی و فرهنگی بنام "محب کابلی" نیز به چاپ رسانیده اند. محترم بهروز صاحب این نام مستعار شانرا بی نهایت دوست دارند. روزی بهروز صاحب قصه نمود: که یک روز تصادفی با رفقآیم در منزل محترم هاشم شایق افندی مرحوم در جاده میوند ظاهر شدیم و در آنجا گردهمآئی یاد بود – "عرس حضرت عبدلقادر بیدل" بر پا بود و محترم افندی مرحوم بعد از جر و بحث

فراوان علیحده علیحده هر کدام از شرکت کننده گان مجلس در باره گردهمائی و شخصیت حضرت بیدل رو به اهل مجلس نموده فرمودند " جوانی راکه همه بهروزی و پیروزی در پیش روی دارد "پریش" بودن چندان لطف ندارد، بنا باید تخلص "بهروز" را به وی اعطا کرد و از آن روز به بعد "بهروز" تخلص وی شد. وی در سال 1324 هجری شمسی قصیده در "عرس حضرت بیدل" در منزل فیض محمد خان ذکریا خواند که سر از همان روز بنام بهروز مشهور شد و این قصیده در مجله وزین آریانا همان سال بچاپ رسیده است.

استاد محترم بهروز صاحب در شهر ماسکو از جمله کسانی بود که با شهامت و مردانگی خاص ای که دارد از واقعه الم انگیز- تهاجم اردوی سرخ بر افغا نستان با آواز بلند انتقاد نموده و شدیداً این یورش اردوی سرخ را تقبیع نمودند واز محافل علمی اتحادشوروی خواهان آن شدند، تا بی اندیشند که چه فریب و اشتباهی تاریخی را مرتکب شده اند و در کدام بازی خطرناک کشانیده شده اند و بالاخره چه عواقبی این عمل هم به افغانستان و هم به اتحادجمایر شوروی در قبال خواهد داشت.

محترم بهروز صاحب بدون ترس وهراس واقعات هنگری، چکوسلواکیا و افغانستان را در محافل بزرگ علمی در مقایسه قرار داده و یورش اردوی اتحاد شوروی را خیلی خطرناک، دور ازانصاف و مناسبات نیک همسآیگی ارزیابی نموده اند. بهروز صاحب محترم سخنرانی ها و نوشته های زیادی در ین عرصه نموده است و نسبت حساسیت های سیاسی وقت اکثری آثار و نوشته های شان در کابل و خارج بنام "محب" و "گوینده" که تخلص مستعار دیگریست از محترم بهروز صاحب که بنابر مجبوریت های عینی دراتحاد شوروی و ظهور جواسیس انتلجنس سرویس انگلیس که تحت رهبری حفیظ الله امین در افغانستان به میدان آمده بودند، به نشر رسیده است.

بهروز صاحب محترم از شروع جوانی از مصالح ملی و دیمو کراتیزه شدن حیات اجتماعی مردم افغانستان، روشنفکری و روشنفکران آزاد اندیش وطن و بالخصوص مشروطه خواهان اول و دوم پیروی کرده و حال میکنند. او یکی از اعضای فعال جنبش مشروطه خواهان سوم است، و بعد از ترک کابل تا امروز به هیچ کدام حزب و یا جریان سیاسی پیوندی ندارد. با آنکه فعالیت های وی در تنظیم اولین مظاهره سیاسی در شهر کابل بخاطر انتخابات دوره هشت شوری ملی به مبارزین و سیاستمداران دوران وی معلوم دار است.

جنبش مترقی محمودی، غبار، ویش ذلمیان و اتحادیه محصلین که بهروز صاجب محترم فعالانه در مبارزات آنها شرکت داشتند به نظر وی اینها همه جنبش های روشنگری و روشنفکری وآزاد اند یشی بمنظور رفاه اجتماعی، بوجود آوردن حکومت قانون و حاکمیت مردمی در افغانستان بودند. اینکه سالهای بعد دوکتور محمودی را بعضی ها بیک سمتگیری سیاسی خاص قلمداد می نمآیند، جز ریا کاری و فریب چیزی دیگری نیست، به گفته بهروز صاحب.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

محترم بهروز صاحب به آنعده انسانهای که دیروز ویا امروز قلم برداشته وافسانه می نویسند بوسیله نوشته های ایشان سالهاست که رسانده و امروز باز هم میرسآنند که شخصیت بزرگ ملی، مبارز و دیموکرات وطنپرست و ملت پرور چون مرحوم دوکتور عبدالرحمن محمودی را بکدام سمتی در مقابل سمتی دیگری سیاسی ترسیم کردن گناه است. مقاله ها و نقل وقول های بهروز صاحب محترم به شایقین سیاست، تحلیل گران و تاریخ نویسان تاریخ مبارزات سیاسی در کشور منابع مؤثق میباشد.

پروفیسور بهروز، کتاب زنده ای تاریخ هشتاد سال اخیر وطن می باشد. این انسان وطنپرست با احساس و اندیشه ای خاص ملی توانسته است در شرایط نهایت مشکل آثار علمی و تاریخی که ضرورت وتأثیر عمیق بالای تحقیقات فرهنگی داشته از سراسر جهان جمع اوری نموده و در خدمت تاریخ نویسان، فرهنگیان و محققین افغان قرار بدهند، درعین حال نسخه های خطی اسناد با ارزش ملی را به ارشیف ملی و موزیم ملی افغاستان به شکل تحفه ارسال داشته اند. برای محترم بهروز صاحب شرط هیچ وقت آن نبوده است که کی ها در آرشیف کار میکنند، مهمتر از همه دسترسی محققین فرهنگی و ادبی افغانستان به اسناد برای او بوده و است.

محترم استاد بهروز از تاریخ نویسان جعلکار و مؤرخین جیره خوار که اصلاً به اسلوب و نوشتن وقایعی تاریخی، نوشته ها، دستخط های تاریخی ماخذ آشنائی و دسترسی نداشته و ندارند و تاریخ واقعات سیاسی پرافتخار وکهن ای کشور را بعضاً مورد شک و تردید قرار میدهند، سخت نفرت دارند. بهروز صاحب با صراحت کامل میگویند:" که این همه نا بکاریها و نابسامانیها چنانچه تاریخ نشان داده است نمیتواند که ذخیره های تاریخی و گنجینه های فرهنگی ملت فقیر و تحقیر شده ما را مورد شک و تردید قرار بدهد. هستند و بودند بزرگ مردانی که یاد گار ها ونسخه های زیادی با ارزش ملی را از ادوار مختلف تاریخی کشور به محققین امروز و نسل های اینده به میراث گذاشته اند روح شان شاد باد! که مورد مباهات ما و فرزندان نجیب افغان خواهد بودند. ببینید در میان مردم ما امروز عمال نیرو های اجنبی یک هیآهوی را بر پا نموده اند و حنجره ها را پاره میکنند که ما امروز به مردم آزادی بیان را از "کجاستان" ها تحفه آورده ایم و به این چنین کلمات گویا مد روز جوانان ما را فریب میدهند، بدون آنکه بتاریخ با شکوه و پر عظمت وقایعی سیاسی و اجتماعی کشور ما مراجعه نمآیند و با افتخا ر بگویند که اینها پیروان نیاکان با عزت و بی نظیر جامعه افغانی هستند".

اگر در قرون گذشته و یا با اخص قرنهای هژده یا نوزده در غرب بعضاً فلاسفه ها در مورد آزادیهای فردی و اجتماعی بیان و قلم پشنهادات ونظریاتی ترسیم داشته اند، اما با افتخار باید یاد آور شد که در کشور باستان مان عملا جریان آزادی بیان را میتوان در نخستین روزنامه دولتی دوران امیر شیرعلی خان- شمس النهار دریافت و یا بر خورد دیموکراتیک، وطنپرستانه و علمی صدراعظم وطنپرست افغان سید نور محمد شاه و وزیر اطلاعات آن وقت سید جمال الدین افغانی مورد مباهات قرار گیرد، چه خاصا که در کشور باستان مان جریان آزادی بیان عملاً در شروع قرن بیست سیاست دولت مردم را انعکاس میداد که در تاریخ شرق و غرب کم نظیر بود، به نمونه مثال، محمد کاظم اهنگ از قول جناب حبیب الله طرزی مینویسد که روزی بعد از استرداد استقلال افغانستان جریده طلوع افغان کندهار بمسئولیت مولوی صالح محمد خان هوتک درسال 1300 هجری شمسی مطابق 1921 عیسوی راجع به سیاست افغانستان و بریتانیا مقاله ای نوشته بود و از آن جائیکه وظیفه حبیب الله طرزی ایجاب میکرد مکتوبی نوشت که تحریر چنین مقالات در مناسبات سیاسی جنجال بار می آورد، باید در نشر چنین مقالات با وزارت خارجه مشوره شود. مسئوول اخبار صالح محمد خان هوتک در جواب این نامه مکتوب شدیدی به وزارت خارجه نوشت و حبیب الله خان طرزی نیز جواب شدید تری نوشت و خواست امضای وزیر خارجه محمود خان طرزی را در آن مکتوب بگیرد. حبیب الله خان طرزی ادامه میدهد که محمود خان طرزی نامه را سر تا پا خواند و بسوی من نگریست و گفت تو میخواهی که این مکتوب را بالای من امضا کنی؟ عرض کردم، بلی، زیرا بر وزارت خارجه تعرضی سختی کرده است. وزیر خارجه محمود خان طرزی گفت در نزد من این چوکی و این مقام ارزش ای ندارد، در مقابل مسلک من که ژورنالیزم است به توته ای [توتی]هم نمی آرزد، من هم مثل او یک جریده نگارم و هر گز خود را اجازه نمیدهم که در مقابل [کولیگ] (همکار) خود چنین یک چیز بنویسم. طرزی گفت: آزادی قلم مفید و بحق و با طل تحریر نیست، بلکه آزادی قلم وبیان آن است که

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

هر چه خواسته باشید بنویسید و قضاوت را به قارئین بگذارید. چنانچه معلوم میشود که ما از بسیاری گویا پیش کسوتان گویا آزادی بیان امروزی در این قسمت پیشینه ای تاریخی داریم و فکر میکنم که ما باید به چنین مواریث با ارزش تاریخی نیاکان خود سر تعظیم فرو آوریم نه آنکه از کجا ها ازادی بیان و قلم به ما صادر شده است و ...

محترم بهروز صاحب توصیه میدارند با اینکه کشور در حالتی بسیار مغلق اجتماعی و سیاسی نظامی و جنگی کشانیده شده است به تمام جوانان، روشنفکران و مبارزین راه آزادی و استقلال است که بهتان گوئی، افسانه نویسی و ریا کاری نویسنده گان خود فروخته وغلامان دستگاه استخباراتی انگریز و کار روائیهای غداران قیادی وایادی را نفی، نهی و نفرین باید کرد و اصطلاحات زبان و رویش هایراکه که آنها بر فرهنگ پویا و مترقی ما وشیوه زنده گی عنعنوی مان امروز واردآورده اند، بررسی دقیق تاریخی باید کرد و مردم را نسبت به آنها اگاهی بخشید. بالاخص به آنانیکه اختلافات و تفرقه های قومی و زبانی را در میهن ما دامن میزنند! جوانان، باید خوب بدانند که کشور مان در ادوار مختلف مورد هجوم و رفت وآمد های طوایف و اقوام مختلف قرار گرفته و دچار اختلاط نژادی، فرهنگی و کلتوری شده اند، پس دم زدن از کدام قوم، طایفه، زبان و لهجه صحیح نیست و بازهم این یک بازی سیاسی بسیار کهنه انگریزی که برای تسلط وتوسعه امپراتوری استفاده میگردید بالای ایشان به منظور پیاده نمودن استراتیژی های مخوف و پیچیده ای استعماری نوین بکار گرفته می شود. اگر امروز بعضی ها این نوع سیاست ها را بکار میبرند در اصل از روند جدید تکاملی نخست بیخبر اند، ثانیاً این همان جاهلان اند که بازهم مورد لعنت جوامع انسانی قرار میگیرند، چنانچه در تا ریخ جوامع بشری همین ها در ادوار مختلف القاب بد و زشت را همیشه نصیب شده اند. در افغانستا ن مان هیچ قوم وقبیله و یا طایفه ای پیدا نمی شود که دست نخورده، پاک و خالص مانده باشد.

بهروزصاحب محترم هشدار میدهد، که جوانان امروزی وطن باید درک کنند و بالای احساسات خویش فایق آیند و مهمتر از همه که نشود از استعداد و توانائی ایشان نیرو های غیرملی و بی هویت استفاده سو نمآیند.جوانان باید اصلیت دشمنان آزادی و حریت ملت قهرمان افغان یعنی انگریز را خوب مطالعه نمآیند، تماماً بد بختی های ملت افغان از فعالیت های انگریز ها سر چشمه میگیرند. همین انگریزها هستند که ملت مارا در خون کشانیده شده است، همین انگریزها بودند که نهضت مترقی جوانان افغان به خاک و خون کشانیده شد. همین انگریزها بودند که ریفورم های مترقی دوران ریاست جمهوری محمد داود خان را از ریشه نابود کردند و بازهم همین انگریزها بودند که سیاست انساندوستانه مصالحه ملی و رهبر جوان ملت افغان دوکتور نجیب الله را اتش زدند و همین انگریزها هستند که امروز یاغیان بین المللی و جانیان را در کشور مان حکام ساخته اند. اما، تجربه زنده گی ام مرا وادار میسازد که به شما جوانان بگویم که انگریز- در آستانه صد مین تاریخ از هم پاشی خود قرار دارد و اگر دیروز این امپراطوری جابر از کشور ها توسط نهضت های مترقی از کشور های مستعمره بشکل فجیع و شرم آور خارج گردیدند، امروز با شرکای خود - این نیرو عجمی و ابوجهل های طالبی و القاعده در برابر انسانیت قرار گرفته اند واین بار هم شما جوانان و میهن پرستان افغان هستید که انگریز را در انزوای بین المللی، باید بکشانید و این وظیفه ملی، انسانی و دینی شماست. امروز هم مانند جنگ آزادی خواهی نیاکان تان در سال 1919 جهان باید از شما الهام بگیرند، نه شما از جهان، زیرا باز هم جهانیان می بینند که اطفال گرسنه، یتیم و مو سفیدان عاجز و زنان معصوم افغان با دست های خالی، شکم گرسنه و مریض در برابر بربرها و انسان نما های جهان سر تعظیم فرو نمی آورند و تسلیم طلبی در ذات شان نیست. اینجاست که تاریخ انسانیت حکم خود را گوئی کرده است!

جوانان وطن باید ایمان داشته باشند که ما یک ملت هستیم و با افتخار بزرگ که بیگانگان و محققین اجنبی به مان - ملت افغان خطاب میکنند واین ملت از طوایف، اقوام وقبائیل مختلفه ای شریف و با عزت متشکل گردیده است و هرطایفه و فامیل از افراد که فرد عنصر متشکله آنست بوجود آمده است، ولی افراد از فرد زاده میشوند، رشد و نمو میکنند و سر انجام میمیرند، اما ملت ها و تاریخ ایشان زنده باقی مانده و برای همیشه جاویدان است. جوانان مان باید دقیقاً متوجه شوند بتاریخ کشور، خصوصا به واقعات دو قرن اخیر مراجعه نمآیند و نتیجه گیری

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

نمآیند و در عین حال بیآموزند که چه حالاتی در این محدوده تاریخی بر ملت ما گذشته است و اگر نه به گفته شاعر افغان باید تن داد که:

هر آنکو نیآموخت از روزگار نیآموزد از هیچ آموزگار

بهروز صاحب محترم میگویند: که اگر تاریخ نویسان، فرهنگیان و سیاستمداران علل، حساسیت ها و خواست های زمان را نشناسند واگر از جامعه، محل و محیط خود آگاهی نسبی نداشته باشند، قاضی واقعات گذشته، بیننده واقعیتهای امروزی و حقیقت حال و پیش گوئی وضع جاری را در آینده کرده نتوانند، خیانت کرده اند.

استاد محمد حسین بهروز در انجمنهای فرهنگی متعددی عضویت داشته و مفتخر به مدالها، تقدیر نامه ها و دیپلوم های افتخاری فراوانی شده است و قسمیکه خودش اظهار میدارند، فعالیت های وی درین انجمن ها فقط دو موضوع خیلی عمده را با خود داشته است.

1 . حقیقت گوئی، بیداری جوانان و بوجود آوردن فضای اعتماد میان افغانها؛ و

2 . جلب توجه مردم جهان و با اخص فرهنگیان جهان نسبت به افغانستان و افغانها.

بهروز صاحب محترم خیلی رنج میبرند که امروز در کشور ما نه موسسات فرهنگی به قسم شاید و باید فعالیت دارند و نه احساس صراحت و بالنده گی فرهنگ در ذهن غداران حاکم این غلامان پاکستانی، ایرانی و عربی و این مسلمان نما های انگریزی خطور میکند. این تاراج گران- همه ای هست و بود مربوط به فرهنگ افغا نستان باستان را جابرانه نابود کردند. نهاد ها، موسسات، آثار و گنجینه های فرهنگی را آتش زده، چور و چپاول نموده و برباد نمودند.

محترم بهروز صاحب از آنعده روشنفکران تسلیم پزیر، ابن الوقت که دیروز با حفیظ الله امین در نابودی جنبش های آزادی بخش دیموکراتیک مترقی را به رهنمای های انگریز ضربه شدید زدند ویا آنعده اشخاص ای بی اراده وخائین به نوامیس ملی که دیروز بیک شکلی و یا امروز در پهلوی تنظیمهای ایرانی و پاکستانی در مجموع در دیگر گویا رخ بازی شیطانی انگریزی خودها را چسپانده اند خیلی ها تنفر دارند. محترم بهروز صاحب، همیشه گفته و میگویند که بر جوانان هست تا با هیچ بخردی حتی در مشکل ترین و بد ترین شرایط هم کنار نباید بیآیند.

استاد بهروز در واقعیت یک شخصیت بزرگ فرهنگی و اجتماعی ملت ماست. او آن بزرگ مردیست که ا ز تقرب جستن گویا به نام و نانی چربی رسیدن به دربار ها همیشه عار داشته و دارد. با هیچ قیمتی با دربار و حکمرانان کنار نیآمده است. او همه اوقات از قضایای مردان راستین و انسانهای مقاوم و تسلیم نا پزیر افغان صحبت و قصه های آموزنده میکند. او خود همیشه متحرک وآزادمنش بوده و هست. تسلیم پزیری را ننگ و عار می شمارد.

بهروز صاحب محترم نامیدی را هر گز بخود راه نمیدهند. او کشتن جوانان، سوختاندن شهرها، هتک حرمت جلادان حرفوی وآدم کشان نا افغان و نامسلمان طالبی پاکستانی، ایرانی وعربی را قابل تردید نمی داند ومیگویند این نوع اعمال از خصایل ذاتی شیطان صفتان و فتنه پیشه هاست. محترم بهروز صاحب از آن انسانهای فرومایه و کم صفت که بخاطر خدمت به منافع بیگانگان علیه منافع علیای اجتماعی و جامعه ما مصروف اند و خدمت به ستمگران و چپاولگران تاریخ شرافت انسانی را علیه عدالت، حقیقت و واقیعتهای امروزی و فردای مملکت دستور کار و عمل خودها قرار داده اند سخت تنفر دارد ودرین رابطه ایشان با تأکید میگویند: این فرومایگی ا ز خصایل بد انسانی بوده و در نهایت انسانهای واقعی از هر قماشی که باشند از چین خصایل مبرا هستند.

استاد بهروز را هیچ نیروی نمی تواند خاموش بسازد. او روحی قوی، مبارز و مقاوم دارد. گرسنگی و بیکاری اواره گی و بی سر نو شتی در مهاجرت مانند همه پنا هجویان افغان با همه نا ملایمتی هایش را سپری و تحمل می نمآید. او از شرف و ابرو خود و وطن خود در برابر هیچ نیروی نگذشته و نمی گذرد. دروغ نمی گوید و

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

افسانه ساز نیست. او ایمان کامل دارد که وطنپرستان با همت و آزادیخواهان بالاخره زمام امور را در دست میگیرند. او باور دارد که جامعه جهانی بالاخره پی میبرند که در بازی انگریز در چه منجلابی فرو میروند و این واقعاً به وقت و زمان ربط دارد، تا جهان متمدن راه خود را از پلان های پیچیده و سر در گم انگریز جدا نمآیند.

محترم بهروز صاحب، ا ز ولوله های تجزیه افغانستان نسبت به بر خورد های غیر عادلانه خارجیها ترس ندارد و میگوید بهتر آنست که به تاریخ کهن **"بازی بزرگ"** مراجعه شود. زیرا دیگر این کشور قابلیت و ظرفیت تجزیه را ندارد.

در قسمت سیاست و سرنوشت پاکستان و ایران او میگوید هنوز" بازی بزرگ" در این اراضی ادامه داشته و مسایل بزرگ سر نوشت ساز تاریخی پیشرو است و اضافه میدارند که حادثا ت وقایع در اراضی برادران قبایل نشین در جنوب و جنوب شرق و جنوب غرب کشور ما مطلقاً متغییراز پیش آمد های سیاسی و نظامی در افغا نستا ن بااخص کشور های نو بنیاد آسیای میانه میباشد.

استاد بهروز، نوشته ها و تحقیقات علمی فراوان دارند. مؤلف کتابها، رساله ها، مضامین و مقاله های زیاد از سرگذشت های تاریخی و فرهنگی کشور ماست. یکی از آثار گرانبهای ایشان تاریخ ادبیات افغانستان از دوره غزنویها تا امروز می باشد که با معرفی رجال، آثار، ممیزات و خصوصیات سبک در دائرة المعارف افغا نستا ن طبع شده است.

بهروز صاحب محترم در شناخت اصول خط نستعلیق که از همت مرحوم میرعلی هروی این خط در افغانستان بکمال رسیده است وهم چنان در شناخت اعصار و محیط میناتوری های عتیقه مهارت خاصی دارند. یکی از دیگر برازنده گی های محترم استاد بهروز شناخت اثار قلمی عتیقه است و ایشان در کتابخانه های خود در افغانستان و روسیه فیدراتیف نسخه های قلمی نادرالوجودی در اختیار دارند.

محترم استاد بهروز امروز هم در حالت پیچیده زنده گی در مهاجرت توام با نا آرامی روحی و روانی بازهم از فعالیت های تحقیقی دست بر نداشته و بطور داوطلبانه با شخصیت علمی هالند جناب پروفیسور یان یوست دیتکام از یونیورستی شهر لایدن مصروف تألیف و نوشتن کتلاک اثار قلمی مؤلفین دری میباشند، در عین حال استاد بهروز محترم در سالهای مهاجرت در کشور هالند آثار زیر را نیز نوشته است.

1 . گسترده زبان دری با روابط فرهنگی تاریخی با نیدرلند.

2 . تالیف کتاب زاهد نامه یا سیمای زاهد د ر اشعار فارسی و دری از زمان سامانی ها تا عصر حضرت عبدالقادر بید ل.

3 . قانون مهاجرت در افغانستان دردهه اول قرن بیست و حال اسفناک مها جرین افغان امروز.

4 . تاریخ تکرار میشود.

5 . چند فرمان ا ز اعلحضرت اما ن اله خا ن تا اعلحضرت محمد نادر خا ن.

6 . اوضاع سیاسی و استرا تیژی های منطقوی افغا نستان، آسیای میانه، پاکستان، ایران، هند و چین.

7. مثنوی غمنامه وطن.

8 . ترجمه فرهنگ هالندی- روسی از روسی به دری.

9 . ژاندارم بین المللی.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ

10 . گروگانان عزتمند.

11 . مرد مبارز و آزادیخواه.

12 . حکومتهای دست نشانده.

13 . حکومت طا لب وآمریکا .

14 . جنایت کاران جنگی.

15 . بیش از پنجاه قطعه شعر جد ید – مثنو ی، غزل، قصیده و رباعی. همه در مورد

افغا نستا ن و مردم آن و رژیم دست نشانده فعلی.

یکتعداد آثار محتر م بهروز صاحب که در ماسکو نوشته شده است:

1 . تصحیح دیوا ن صائب تبریزی.

2 . تهیه متن علمی انتقادی تذکرة الشعرای قاطعی هروی موسوم به مجمع الشعرا از روی نسخه یگانه کتا بخانه بود لیان انگلستان.

3 . تر تیب متن علمی انتقادی جلد پنجم و هشتم شاهنامه فردوسی.

4 . تصحیح جلد شش و هفت شاهنامه فردوسی.

5 . شکل دادن فرهنگ شاهنامه فردوسی در نه جلد.

6 . تهیه متن علمی انتقادی دیوا ن میلی هروی ا ز روی نسخه خطی موزیم بریتانیا و کتا بخانه امپر ا تو ری آلمان.

7 . اثر زیستنامه و آثار مولا ناحسین واعظ کاشفی سبزوا ری بزبا ن روسی.

8 . اثر زیستنامه و آثار احمد ذکی طغیان.

9 . غا زی امان الله خا ن- سالهای اول استقلا ل.

10 . مجموعه مکمل ضرب المثل ها ی مروج افغا نستا ن.

11 . تر کیبات دیوان غزلیات عبدالقادر بید ل.

12 . یاد های زنده – مجموعه ای یکتعداد داستانهای کوتاه و چشمدید .

و بدین ترتیب ده ها و ده ها اثر دیگر. **محتر م بهروز در عرصه های مختلف علوم اجتماعی نقد ادبی و فر هنگی تا ریخ و نسخه شناسی همیشه و متدام فعالیت نموده و در قسمت معرفی مشاهیر بزرگ فرهنگ و ادبیات کشور بواسطه نوشتار ها ی با ارزش، بسیار تب و تلاش نموده است. او تنها در ساحه فعالیت علمی اش در بخش رهبری علمی فرهنگ سخنوران دو صد میکرو فیلم های مأخذ دست اول، کمیاب و نادر خطی را از موزیم بریتانیا، اندیا افیس، بود لیان، چستر بیتی، لیننگراد، فرانسه، آلمان، فلورانس، بولونی، تهران، دوشنبه، باکو، تاشکند و ... جمع آ و ری نموده است.**

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

قسمیکه در بالا نیز تذکار شد شاعری، قصیده وغزل خوانی گوشه ای دیگری ا ز ممیزات شخصیت محترم بهروز، این بزرگ مرد افغان می باشد. بعضی از اشعار شان بچاپ رسیده و باقی مانده از چاپ امید است که هر چه زود تر به چاپ برسند. باید گفت، که محترم بهروز شاعر بزم خا نه ها، شاعر فصلی و رسمی نبوده و نیست. اشعار او عصیان و درد های مردم را موزون میکنند.

محترم بهروز صاحب بعد ازیکمد ت طولانی زنده گی در شهر ماسکو به اثر نا ملایمتی ها ی روزگار از سال 1999 بدین طرف در کشورهالند مهاجر شده اند. او میگوید در پروسه پناهجوئی ام از رسم شخصیت های وطنم پیروی کرده ام، چنانچه بعد از اینکه محمود طر زی در زمان اغتشاش حبیب الله کلکانی به ایران مهاجرت کردند و وقتی که ایرانیان علت آمدنش را به ایران از وی می پرسید ند، محمود خان طرزی فقط تنها این بیت خواجه حافظ را میخواند که:

ما بدین جا نه پی حشمت و جاه آمده ایم از بد حادثه این جا به پناه آمده ایم

من با کمال احترام و حرمت برای این شخصیت بزرگ علمی و گنجینه فرهنگی ملت ما و این پیکارگر و مبارز مردمی ملت ما پیروزیهای بیشتر آرزو داشته و از ایزد متعال به وی عمر طولانی، صحت و صحتمندی تمنا میدارم . پروفیسور داکتر گران توریال

پیام پروفیسورگران توریال:

با تاسف واندوه فراون اطلاع یافتم که شخصیت علمی، سیاسی ، شرقشناس و تاریخدان بزرگ کشور داعی اجل را لبیک گفتند و جاویدانه شدند. انالله و انا الیه راجعون
" محترم دوکتور محمد حسین بهروز، یکی از شخصیت های والا مقام علمی و اجتماعی وطن مان بودند. وقتی در حضورش خود را در میافتید، آنوقت بود که درک و احساس میکردید که ایشان تا چه اندازه عالمانه، مهربانآنه و زیبائی شناسائی با تکلم زبان ای شیرین و نرم، اما با سخنان سنگین خود مخاطب/ مخاطبان اش را مات و مبهوت می سازند . عشق و احترام به وطن و وطندارانش با تمام حرکات جسمی و روحی اش حضور پررنگی دارد که وزش نسیم صحبت و حکایت های وطنی اش مخاطب / مخاطبین را از رفته گان و دورافتاده گان و فراموش شونده گان نآمور وطن چنان اطلاع میرساندند که گوئی از فراموشی و احساس خواب رفته اش بیدار ساخته، و احساسات اش را هیجان برانگیز و دگرگون می سازد. عظمت و بزرگی محترم بهروز صاحب، در آن نهفته بود، زمانیکه در صحبت هایش حکایت ها از دوستی، همنوائی، یاری، عیاری، رقابت و مردانگی، محبت و نیکی، فداکاری و وطنپرستی روشنفکران وطن اش به میان می آمد ، چهره بشاش و گلویش پراز هیجان و ذوق می گشت و یا لحظه ای که صحبت از فقر، نا توانائی، ظلم، وحشت و بحران اعتماد و رقابت های نا مردانه ای روشنفکران و یا بی حیائی و زبونی حاکمان بیوطن و خائینین امروزی به زبان می آوردند و اشکش می ریزد متوجه می شدید که محترم بهروز صاحب مانند بسیاری های مان نیستند، کاملاً فرق می شدند، و از جایگاه ویژه و برا زنده گیهای خاص ای علمی، اجتماعی و وطنپرستی برخواردار می بودند." **روحش شاد باد و فردوس برین مکانش باد!**

Mahmood Sharifi
۲۵ ژوئیه، ساعت ۲۲:۲۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ